گزارش
زینب زرین

تبصره ماده ۱۰۰ گامی در مسیر هوشمندسازی نظام مالیاتی و ارتقای کیفیت رسیدگی به پرونده مؤدیان است

۷۵ درصد مؤدیان با تبصره ماده ۱۰۰ از مالیات معاف شدند

کریم یزدی‌خواه، کارشناس حوزه سیاستگذاری اقتصادی در گفت‌وگو با «جوان»: یکی از مهم‌ترین مزیت‌های اجرای تبصره ماده ۱۰۰، تغییر شیوه رسیدگی به پرونده صاحبان مشاغل و حرکت از ممیزمحوری به سمت مالیات‌ستانی سیستمی است



حرکت به سمت اســـتقرار نظام مالیاتی مبتنی بر اطلاعات و داده، یکی از تحولات مهم در حکمرانی اقتصادی کشور است که با توسعه زیرساخت‌های هوشمند و استفاده از ظرفیت‌های قانونی همچون تبصره ماده ۱۰۰قانون مالیات‌های مســـتقیم، وارد مرحله جدیدی شده است. در الگوی سنتی، بخش قابل توجهی از فرایند تشخیص و تعیین مالیات به بررسی‌های دستی، تبادل اسناد کاغذی، مراجعه حضوری مؤدیان و ارزیابی‌های کارشناسی وابسته بود که علاوه بر افزایش هزینه‌های اجرایی، می‌توانســـت زمینه‌ساز طولانی شدن رسیدگی‌ها، بروز اختلاف میان مؤدی و ســـازمان امور مالیاتی و افزایش خطاهای احتمالی در تشخیص درآمد مشمول مالیات شود. در مقابل، نظام مالیاتی داده‌محور تلاش می‌کند با گردآوری، تجمیع و تحلیل اطلاعات اقتصادی مؤدیان از منابع مختلف، تصویری دقیق‌تر از فعالیت واقعی کسب‌وکارها به دست آورد و مبنای محاسبه مالیات را از برآوردهای غیرشـــفاف و روش‌های سنتی به سمت اطلاعات قابل اتکا و شاخص‌های اقتصادی ســـوق دهد. تبصره ماده ۱۰۰ در این میان ظرفیت مهمی برای تحقق این تغییر ســـاختاری فراهم کرده است زیرا امکان تعیین مالیات مقطوع برای صاحبان مشاغل واجد شرایط را با اتکا به اطلاعات و داده‌های موجود فراهم می‌کند و در عین حال، نقش مؤدی را در مشاهده، بررسی و تأیید اطلاعات و مالیات تعیین‌شده افزایش می‌دهد. چنین رویکردی صرفاً به معنای الکترونیکی کردن چند مرحله اداری نیست، بلکه نشان‌دهنده تغییر در منطق حکمرانی مالیاتی است؛ تغییری که در آن دولت به جای اتکای گسترده به رسیدگی‌های حضوری و پرونده‌محور از ظرفیت داده برای شناخت فعالیت اقتصادی استفاده می‌کند و مؤدی نیز به جای قرار گرفتن در موقعیت صرفاً پاسخ‌گو، در فرایند تعیین تکلیف مالیاتی مشارکت فعال‌تری خواهد داشت. نتیجه مورد انتظار این تحول، کاهش خطای تشخیص، افزایش سرعت رسیدگی، کاهش هزینه‌های تمکین مالیاتی و فراهم شـــدن زمینه تعامل شفاف‌تر میان مردم و دولت است. به همین دلیل، توسعه تبصره ماده ۱۰۰ را باید بخشی از برنامه گسترده‌تر هوشمندسازی نظام مالیاتی دانست که هدف آن ایجاد تعادل میان وصول عادلانه درآمدهای عمومی و کاهش فشارهای اداری و مالی بر کسب‌وکارهای کوچک و متوسط است. آمار عملکرد تبصره ماده ۱۰۰ قانون مالیات‌های مستقیم نشان می‌دهد که اجرای سازوکارهای هوشـــمند مالیات‌ستانی، امکان تفکیک دقیق‌تر وضعیت مالیاتی صاحبان مشاغل و متناسب‌سازی مالیات با ظرفیت اقتصادی آنان را فراهم کرده است. به بیان دیگر، استفاده از اطلاعات اقتصادی و محاسبات سیستمی به سازمان امور مالیاتی اجازه می‌دهد به جای درگیر کردن بخش گســـترده‌ای از اصناف در فرآیندهای طولانی حسابرسی، مالیات آنها را متناسب با وضعیت اقتصادی و اطلاعات در دســـترس تعیین تکلیف کند.

در همین زمینه کریم یزدی‌خواه، کارشناس حوزه سیاستگذاری اقتصادی در گفت‌وگو با «جوان» با اشاره به اهمیت اجرای تبصره ماده ۱۰۰ قانون مالیات‌های مســـتقیم در زمینه تحقق عدالت مالیاتی و تسهیل تکالیف مؤدیان مشاغل خرد تا سقف ۷۲میلیارد تومان گفت: اجرای تبصره ماده ۱۰۰ و توســـعه مالیات‌ســـتانی مبتنی بر داده را باید بخشی از یک تغییر بنیادین در شیوه اداره نظام مالیاتی کشور ارزیابی کرد؛ تغییری که از یک سو به دنبال ساده‌سازی تکالیف و کاهش هزینه‌های اداری برای میلیون‌ها صاحب کسب‌وکار واجد شرایط است و از سوی دیگر، ظرفیت سازمان امور مالیاتی را برای شناسایی دقیق‌تر درآمدهای پنهان و رسیدگی تخصصی به پرونده‌های کلان و مشاغل خاص افزایش می‌دهد.

وی افزود: اهمیت این رویکرد در آن است که میان دو هدف ظاهراً متفاوت، یعنی تسهیل فعالیت اقتصادی و افزایش کارآمدی وصول مالیات، پیوند برقرار می‌کند. در یک نظام مالیاتی هوشمند، قرار نیست فشار رسیدگی‌های اداری به شکل یکسان بر تمام مؤدیان تحمیل شود؛ بلکه پرونده‌های ساده و کم‌ریسک باید با اتکا به اطلاعات و محاسبات سیستمی در کوتاه‌ترین زمان ممکن تعیین تکلیف شوند و ظرفیت نظارتی و کارشناسی برای بررسی فعالیت‌های پیچیده و موارد دارای نشانه‌های فرار مالیاتی اختصاص یابد. چنین الگویی ضمن کاهش ممیزمحوری و محدود کردن زمینه‌های اعمال سلیقه، می‌تواند کیفیت تشخیص و وصول مالیات را ارتقا دهد و از تحمیل هزینه‌های غیرضروری به کسب‌وکارهای شفاف جلوگیری کند.

یزدی‌خواه ادامه داد: یکی از مهم‌ترین مزیت‌های اجرای تبصره ماده ۱۰۰، تغییر شیوه رسیدگی به پرونده صاحبان مشاغل و حرکت از ممیزمحوری به سمت مالیات‌ستانی سیستمی است. در نظامی که تشخیص مالیات عمدتاً به بررسی‌های دستی و تصمیم‌گیری‌های موردی وابسته باشد، احتمال تفاوت در ارزیابی پرونده‌های مشابه، طولانی شدن فرایند رسیدگی و حتی ایجاد زمینه برای اعمال سلیقه‌های غیرضروری افزایش پیدا می‌کند. در مقابل، زمانی که اطلاعات مربوط به تراکنش‌ها، فعالیت اقتصادی، میزان فروش، ابزارهای پرداخت و سایر داده‌های مرتبط در یک بستر یکپارچه مورد تحلیل قرار می‌گیرد، امکان برآورد واقع‌بینانه‌تر درآمد و تعیین مالیات متناسب با ظرفیت اقتصادی هر واحد صنفی فراهم می‌شود.

وی تصریح کرد: در این الگو، اطلاعات ثبت‌شده در سامانه‌های مالیاتی و داده‌های اقتصادی مرتبط، مبنای محاســـبات قرار می‌گیرند و مؤدی نیز می‌تواند اطلاعات ارائه‌شده را مشـــاهده کرده و در صورت وجود مغایرت، نسبت به اصلاح یا ارائه توضیحات اقدام کند. این مسئله به‌ویژه برای مشاغل کوچک و صاحبان کسب‌وکارهایی که از توان مالی یا تخصصی کافی برای ورود به فرایندهای پیچیده حسابرسی و رسیدگی برخوردار نیستند، اهمیت دارد. استفاده از سازوکار تبصره ماده ۱۰۰ می‌تواند بسیاری از این مؤدیان واجد شرایط را از فرآیندهای طولانی و پرهزینه رسیدگی، ارائه دفاتر و اسناد گسترده و مراجعات مکرر به ادارات مالیاتی بی‌نیاز کند.

یزدی‌خواه ادامـــه داد: در واقع، بـــه جای آنکه صاحبان مشـــاغل بخش قابل توجهی از زمان و انرژی خود را صرف پیگیری امور اداری و اختلافات مالیاتی کنند، می‌توانند تمرکز بیشـــتری بر مدیریت فعالیت اقتصادی، حفظ اشـــتغال، تأمین نیازهای بازار و توســـعه کســـب‌وکار خود داشته باشند. همچنین امکان پرداخت اقساطی مالیات، استفاده از تسهیلات و بخشودگی‌های قانونی جرایم در چارچوب ضوابط مربوط و تعیین تکلیف سریع‌تر بدهی مالیاتی، می‌تواند به کاهش فشار نقدینگی بر اصناف کمک کند. بنابراین، کارکرد تبصره ماده ۱۰۰ تنها تسهیل وصول مالیات نیست؛ بلکه ایجاد سازوکاری اســـت که در آن هزینه تبعیت از قانون کاهش پیدا می‌کند، فرایند مالیات‌ستانی قابل پیش‌بینی‌تر می‌شود و رابطه میان مؤدی و سازمان امور مالیاتی از یک تعامل مبتنی بر اختلاف و مراجعه اداری به همکاری مبتنی بر اطلاعات و اعتماد متقابل تغییر می‌یابد. البته تحقق کامل این اهداف مستلزم صحت داده‌های پایه، امکان اصلاح اطلاعات نادرست، شفافیت در نحوه محاسبه و فراهم بودن مسیر اعتراض و رسیدگی قانونی برای مؤدیان است.

این کارشناس حوزه سیاســـتگذاری اقتصادی در رابطه با دستاورد مهم اجرای تبصره ماده ۱۰۰ در زمینه ارتقای کیفیت رسیدگی به پرونده‌های مؤدیان و ایجاد امکان تمرکز تخصصی بر مشاغل خاص و پرونده‌های کلان اقتصادی خاطرنشان کرد: در کنار تسهیل فرایند مالیات‌ستانی از صاحبان مشاغل، یکی دیگر از دســـتاوردهای مهم حرکت به سمت مالیات‌گیری سیستمی، ارتقای کیفیت رسیدگی به پرونده‌های مؤدیان و ایجاد امکان تمرکز تخصصی بر مشاغل خاص و پرونده‌های کلان اقتصادی است. یکی از چالش‌های نظام مالیاتی سنتی آن بود که ظرفیت کارشناسی و نیروی انسانی سازمان امور مالیاتی در حجم گســـترده‌ای از پرونده‌های خرد و کوچک توزیع می‌شد؛ در نتیجه، فرصت و توان کافی برای بررسی عمیق فعالیت‌های اقتصادی پیچیده، درآمدهای بالا و پرونده‌هایی که احتمال فرار مالیاتی در آنها بیشتر است، محدود می‌شد.

> **کریم یزدی‌خواه، کارشـــناس حوزه سیاســـتگذاری اقتصادی: با گســـترش اســـتفاده از تبصـــره ماده ۱۰۰ و واگذاری بخـــش مهمی از محاســـبات مالیاتی مشـــاغل واجد شـــرایط به ســـامانه‌های هوشـــمند، امکان بازآرایی ظرفیت کارشناســـی سازمان فراهم می‌شـــود. به این معنا کـــه پرونده‌های ســـاده‌تر و کم‌ریســـک‌تر و کم‌ریسک‌تر می‌توانند با استفاده از اطلاعات موجود و محاسبات سیستمی تعیین تکلیف شـــوند و نیروی انســـانی متخصص برای بررســـی پرونده‌های مهم‌تر، پیچیده‌تر و دارای ریســـک بالاتر به کار گرفته شود**

یزدی‌خواه در ادامه افزود: با گسترش اســـتفاده از تبصره ماده ۱۰۰ و واگذاری بخش مهمی از محاسبات مالیاتی مشـــاغل واجد شرایط به ســـامانه‌های هوشـــمند، امکان بازآرایی ظرفیت کارشناسی سازمان فراهم می‌شـــود. به این معنا که پرونده‌های ســـاده‌تر و کم‌ریســـک‌تر می‌توانند با استفاده از اطلاعات موجود و محاسبات سیستمی تعیین تکلیف شـــوند و نیروی انســـانی متخصص برای بررســـی پرونده‌های مهم‌تر، پیچیده‌تر و دارای ریسک بالاتر به کار گرفته شود. این تفکیک، اهمیت ویژه‌ای در شناســـایی فراریان مالیاتی در برخی مشاغل خاص دارد زیرا در بخش‌هایی از اقتصاد، حجـــم واقعی درآمد و گردش مالی با اطلاعاتی که به شکل رسمی اظهار می‌شود، تفاوت دارد و شناسایی این مغایرت‌ها به تحلیل دقیق داده‌ها و بررسی تخصصی نیازمند است. برای مثال، هنگامی که اطلاعات ابزارهای پرداخت، حساب‌های بانکی مرتبط با فعالیت اقتصادی، میزان فروش و سایر شاخص‌های درآمدی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، امکان شناســـایی الگوهای غیرعادی و مغایرت‌های معنادار افزایش می‌یابد. البته صرف مشاهده یک تراکنش بانکی یا گـــردش مالی بالا بـــه معنای تحقق درآمد مشـــمول مالیات نیســـت و باید ماهیت اقتصـــادی تراکنش‌ها و ارتباط آنهـــا با فعالیت شغلی به‌درستی بررسی شود. از همین رو، ترکیب تحلیل سیستمی با رسیدگی تخصصی اهمیت دارد. در این چارچوب، ممیزان و کارشناسان مالیاتی به جای صرف زمان برای بررسی تعداد زیادی پرونده کوچک و کم‌ریســـک، فرصت بیشتری برای رســـیدگی به پرونده‌های بزرگ، شناسایی مؤدیان صوری، بررســـی فعالیت‌های پنهان و مقابله با فرار مالیاتی سازمان‌یافته خواهند داشت.

وی با اشاره به ایجاد زمینه برابری در اخذ مالیات از مشاغل مختلف مبتنی بر داده‌محوری و بهبود عدالت اقتصـــادی گفت: از منظر عدالت اقتصادی نیز توسعه مالیات‌ستانی سیستمی و اجرای تبصره ماده ۱۰۰ می‌تواند به اصلاح یکی از مشکلات ریشـــه‌ای نظام مالیاتی، یعنی توزیع نامتوازن بار مالیاتی میان گروه‌های مختلف اقتصادی، کمک کند. زمانی که اطلاعات فعالیت‌های اقتصادی به‌صورت یکپارچه در اختیار نظام مالیاتی قرار نداشته باشـــد، احتمال دارد بخشی از کسب‌وکارهای شـــفاف و قانون‌مدار سهم بیشتری از بار مالیاتی را تحمل کنند، در حالی که برخی فعالیت‌های پنهان یا درآمدهای اعلام‌نشده از نظارت مؤثر دور بمانند. این وضعیت نه‌تنها به کاهش درآمدهای پایدار دولت منجر می‌شود، بلکه احساس بی‌عدالتی را در میان مؤدیانی که به تکالیف قانونی خود عمل می‌کنند، افزایش می‌دهد.

کارشـــناس حوزه سیاســـتگذاری اقتصادی تصریح کرد: نظام مالیاتی مبتنی بر داده می‌تواند با شناسایی دقیق‌تر ظرفیت‌های درآمدی، زمینه کاهش این نابرابری را فراهم کند زیرا مبنای مالیات‌ستانی به‌تدریج از میزان دسترســـی ممیز به اطلاعات یا توانایی مـــؤدی در پیگیری امور اداری فاصله می‌گیرد و به سمت میزان واقعی فعالیت اقتصادی حرکت می‌کند. در این میان، تبصره ماده ۱۰۰ به دلیل ساده‌ســـازی تکالیف مالیاتی مشاغل واجد شـــرایط، می‌تواند هزینه ورود به فرایند تمکین را کاهش دهد و انگیزه بیشتری برای ثبت و اظهار صحیح فعالیت‌های اقتصادی ایجاد کند. همچنین فراهم شـــدن امکان مشاهده اطلاعات مبنای محاســـبه مالیات، مشـــارکت مؤدی در تأیید یا اصلاح داده‌ها و اطلاع از نحوه تعیین بدهی، به تقویـــت اعتماد عمومی کمک می‌کند. هرچه مؤدی اطمینان بیشـــتری داشته باشـــد که مالیات او بر اساس اطلاعات مشخص، قواعد روشن و فرایندی قابل پیگیری محاسبه شده است، احتمال پذیرش مالیات و همکاری داوطلبانه با نظام مالیاتی نیز افزایش پیدا می‌کند.

این کارشناس حوزه سیاســـتگذاری اقتصادی در ادامه افزود: در کنار این موضوع، امکان انتخاب محل مصرف بخشـــی از منابـــع مالیاتی در قالب سازوکارهای قانونی مرتبط با مشـــارکت مؤدیان از جمله طرح نشان‌دار کردن مالیات‌ها، می‌تواند ارتباط میـــان پرداخت مالیات و منافع عمومی را ملموس‌تر کند. به این ترتیب، مالیات دیگر صرفاً یک تعهد مالی و اداری تلقی نمی‌شود، بلکه می‌تواند به ابزاری برای مشارکت شهروندان در تأمین مالی پروژه‌های عمرانی، آموزشی، بهداشتی و زیرساختی تبدیل شود. البته عدالت مالیاتی زمانی محقق خواهد شد که توسعه سامانه‌های هوشمند با رعایت حریم خصوصی، امنیت اطلاعات، دسترسی برابر مؤدیان به خدمات الکترونیکی و امکان اعتراض مؤثر به محاســـبات همراه باشـــد. شفافیت در معیارهای محاسبه، پاسخ‌گویی ســـازمان و نظارت بر کیفیت داده‌ها، مکمل‌های ضروری این تحول هستند و بدون آنها صرف دیجیتالی شدن فرایندها لزوماً به افزایش اعتماد عمومی منجر نخواهد شد.

گفت‌وگو
حسام کمالی

گفت‌وگوی «جوان» با ارسلان محمدی، کارشناس اقتصادی

دولت با اجرای سازوکار «تأییدیه خاموش» به بهبود محیط کسب‌وکار کمک کند

یک کارشناس اقتصادی معتقد است یکی از ابزارهای کلیدی برای جلوگیـــری از معطل مانـــدن مردم در فرایندهای اداری، اجرای مؤثر ســـازوکار «تأییدیه خاموش» یا صـــدور خودکار مجـــوز در صورت عدم پاسخ‌گویی دستگاه مســـئول در مهلت مقرر است. بر اساس این رویکرد، دســـتگاه اجرایی نمی‌تواند با ســـکوت، تأخیر یا ارجاع مکرر پرونده به بخش‌های مختلف، حق‌متقاضی برای دریافت پاســـخ را نادیده بگیرد. اگر درخواست فرد واجد شرایط باشد، مدارک لازم ارائه شده باشد و دستگاه مســـئول بدون ارائه دلیل قانونی در بازه زمانی تعیین‌شـــده پاسخ ندهد، باید سازوکاری وجود داشـــته باشد که وزارت اقتصاد به‌عنوان متولـــی اصلی بهبود محیط کســـب‌وکار از طریق درگاه ملی مجوزها نســـبت به صدور تأییدیه یا اعمال آثار قانونی ســـکوت دســـتگاه اقدام کند.



تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار از معدود سیاست‌هایی است که با کمترین بار بودجه‌ای و صرفاً از مسیر اصلاح رویه‌ها و ساختارهای اداری، می‌تواند بیشـــترین اثر را بر تحریک سرمایه‌گذاری و رونق تولید داشته باشد. اقتصاد کشورمان سال‌هاســـت با پدیده مجوزهای مزاحم دســـت‌وپنجه نرم می‌کند؛ مجوزهایی که نه به دلیل اســـتانداردهای فنی یا ملاحظات بهداشـــتی و امنیتی که به دلیل تشریفات زائد، استعلام‌های موازی، تعدد مراجع تصمیم‌گیر و نبود پنجره واحد، مسیر ورود سرمایه و ایجاد کســـب‌وکار را طولانی، پرهزینه و غیرقابل پیش‌بینی کرده‌اند. در این فضا، هر روز تأخیر در صـــدور مجوز، یک روز کاهش بازدهی ســـرمایه، یک روز افزایـــش هزینه فرصت، و یک گام عقب‌نشـــینی ســـرمایه‌گذار از تصمیم خود به شـــمار می‌آید. حذف این موانع، عملاً به معنای کاهش هزینه مبادله و ریسک نهادی برای ســـرمایه‌گذار اســـت و این دو، مهم‌ترین متغیرهای تعیین‌کننده در تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری چه داخلی و چه خارجی، هستند.

جهش تولید، به‌عنوان هدف راهبردی اقتصاد کشور، بدون جهش در ســـرمایه‌گذاری امکان‌پذیر نیســـت و جهش در ســـرمایه‌گذاری نیز بدون بازتعریف رابطـــه دولت با فعال اقتصادی از مجرای مجوزها محقق نخواهد شد. وقتی صدور مجوز به جای یک مانع، به یک دروازه شفاف و سریع تبدیل شود، دو اثر هم‌زمان رخ می‌دهد: نخست، سرمایه‌های خرد و متوسط که بزرگ‌ترین سهم اشـــتغالزایی را دارند، بدون ترس از بروکراســـی و هزینه‌های پنهان وارد چرخه تولید می‌شوند؛ دوم، ســـرمایه‌گذاران بزرگ و خارجی که پیش از ورود، معماری نهادی اقتصاد مقصد را بررسی می‌کنند، سیگنال مثبت سهولت کســـب‌وکار را دریافت می‌کنند و ریسک ســـرمایه‌گذاری را پایین‌تر برآورد می‌کنند. کاهش زمان اخذ مجوز از ماه‌ها و سال‌ها به روزها، حذف استعلام‌های غیرضروری، ایجـــاد پنجره واحد فیزیکـــی و الکترونیکی، شفاف‌ســـازی شـــرایط و مدارک مورد نیاز و تعیین مهلت مشـــخص برای پاســـخ مراجع، اجزای یک نقشه عملیاتی برای این هدف هستند. این مسیر، نیازمند اراده هماهنگ دستگاه‌های اجرایی و نظارتی است، اما بازدهی آن از بسیاری از مشوق‌های مالی و معافیت‌های پرهزینه بیشتر خواهد بود زیرا سرمایه‌گذاری را از قفس بروکراسی آزاد می‌کند و به آن اجازه می‌دهد در خدمت تولید، اشـــتغال و رشد اقتصادی قرار گیرد.

در همین رابطه ارســـلان محمدی، کارشـــناس اقتصادی در گفت‌وگو با «جوان» با اشـــاره به اهمیت تسهیل صدور مجوزها خاطرنشـــان کرد: دولت با تمرکـــز بر اصلاح نظام صدور مجوزها، می‌توانند یکی از مهم‌ترین موانع پیش‌روی سرمایه‌گذاری برای تولید را برطرف کنند. واقعیت این است که بســـیاری از افراد دارای ایده اقتصادی، سرمایه‌گذاران و صاحبان کسب‌وکار، نه به دلیل فقدان سرمایه یا نبود فرصت اقتصادی، بلکه به دلیل پیچیدگی فرایندهای اداری، تعدد استعلام‌ها، طولانی‌بودن زمان صدور مجوز و ضرورت مراجعه به دستگاه‌های مختلف، از ورود به فعالیت اقتصادی منصرف می‌شوند. بنابراین، تسهیل صدور مجوزها باید به‌عنوان یکی از محورهای اصلی تحقق شعار سال و حمایت عملی از تولید در دستور کار دولت قرار گیرد که می‌تواند هزینه زمانی و مالی شروع یک کسب‌وکار را کاهش دهد، انگیزه سرمایه‌گذاری را افزایش دهد و مسیر تبدیل سرمایه‌های راکد به فعالیت‌های مولد اقتصادی را هموار کند.

وی در ادامه گفت: نخســـتین گام در این مســـیر، تغییر نگاه دولت به مفهوم مجـــوز و حرکت از نظام اجازه‌محور به نظام ثبت‌محور است. در الگوی سنتی، شهروندی که قصد راه‌اندازی یک کسب‌وکار کوچک یا متوسط را دارد، ناچار است پیش از آغاز فعالیت، درگیر فرایندهای اداری متعدد شود و برای دریافت تأییدیه‌های مختلف، مدت‌ها منتظر پاسخ دســـتگاه‌های اجرایی بماند. این در حالی اســـت که بخش قابل توجهی از فعالیت‌هـــای اقتصادی، به‌ویژه کسب‌وکارهایی که مخاطرات جدی برای سلامت عمومی، ایمنی، محیط‌زیســـت یا حقوق عمومی ندارند، اساســـاً نیازی به بررســـی‌های پیچیده و اخذ مجوزهای پیشینی ندارند.

محمدی ادامـــه داد: در چنیـــن مواردی، دولـــت باید با شناســـایی و حذف مجوزهای غیرضـــروری، امکان ثبت اطلاعات و آغـــاز فعالیت اقتصادی را بـــرای مردم فراهم کند. به بیان دیگر، اصل باید بـــر آزادی فعالیت اقتصادی و تسهیل ورود مردم به بازار باشد و مداخله دستگاه‌های اجرایی صرفاً به مواردی محدود شود که ضرورت قانونی و کارشناسی مشـــخصی دارند. ثبت‌محور کردن مجوزها علاوه بر کاهش هزینه‌های شـــروع کســـب‌وکار، امکان ورود ســـریع‌تر کارآفرینان به بازار، افزایش تعداد فعالان اقتصادی و شکل‌گیری رقابت بیشـــتر را فراهم می‌کند. همچنین با حـــذف مراحل غیرضـــروری اداری، ظرفیت دستگاه‌های اجرایی از رسیدگی به درخواست‌های ساده و کم‌ریسک آزاد می‌شود و می‌توان این ظرفیت را به نظارت بر فعالیت‌های بزرگ‌تر و پرمخاطره اختصاص داد.

این کارشناس اقتصادی با اشـــاره به اهمیت اصلاح فرایند صدور مجوزهای تأیید محور خاطرنشـــان کـــرد: در کنار مجوزهای ثبت‌محور، اصـــلاح فرایند صـــدور مجوزهای تأییدمحور و ضروری نیز اهمیت بسیار زیادی دارد. طبیعتاً برخی فعالیت‌هـــای اقتصادی به دلیل ارتباط مســـتقیم با سلامت، ایمنی، محیط‌زیســـت، منابع طبیعی یا حقوق عمومی، نیازمند بررسی کارشناســـی و دریافت تأییدیه از دستگاه‌های تخصصی هستند؛ اما ضرورت نظارت نباید به ابزاری برای ایجاد بلاتکلیفی و معطل نگه‌داشتن متقاضیان تبدیل شود. دولت باید برای هر نوع مجوز تأییدمحور، فرایند مشخص، مدارک موردنیاز، مراحل بررسی و زمان‌بندی دقیق تعیین کند تا متقاضی از همان ابتدا بداند برای دریافت مجوز چه اقداماتی باید انجام دهد و هر دستگاه چه مسئولیتی بر عهده دارد. تعیین مهلت قانونی و الزام‌آور برای پاسخ‌گویی دســـتگاه‌های اجرایی، یکی از مهم‌ترین الزامات این تحول است.

وی تصریح کرد: در واقع، همان‌طور که شهروندان در قبال ارائه اطلاعات صحیح و تکمیل مدارک مســـئولیت دارند، دستگاه‌های دولتی نیز باید در قبال بررسی درخواست‌ها و اعلام نتیجه در زمان مقرر پاسخ‌گو باشند. از این منظر، درگاه ملی مجوزهای کشور باید از یک بستر صرفاً ثبت درخواست و پیگیری اداری، به مرجع اصلی مدیریت، نظارت و تضمین اجرای فرایند صدور مجوزها تبدیل شود. شفافیت در مراحل کار، امکان مشـــاهده وضعیت درخواست و مشخص‌بودن مسئول رسیدگی، از جمله عواملی است که می‌تواند بخش مهمی از سردرگمی و هزینه‌های پنهان فعالیت اقتصادی را از میان بردارد.

محمدی افزود: البته اجرای این ســـازوکار باید متناسب با ماهیت هر مجوز و در چارچوب استثناهای قانونی مربوط به فعالیت‌های پرمخاطره انجام شود تا حقوق عمومی و الزامات ایمنی و سلامت نیز حفظ شـــود. اهمیت تأییدیه خاموش در این است که مســـئولیت تأخیر را از دوش مردم برداشته و متوجه دســـتگاه اجرایی می‌کند. در چنین الگویی، دیگر این فعال اقتصادی نیست که باید برای پیگیری یک امضا یا دریافت پاسخ از چندین اداره وقت و هزینه صرف کند، بلکه دستگاه دولتی موظف است در مهلت مشخص وظیفه خود را انجام دهد. این تحول می‌تواند به‌تدریج فرهنگ پاسخ‌گویی، مسئولیت‌پذیری و انضباط اداری را در نظام صدور مجوزهای کشور نهادینه کند و زمینه حذف امضاهای طلایی و کاهش زمینه‌های فساد و اعمال سلیقه شخصی را فراهم آورد.

وی تصریح کرد: تســـهیل صدور مجوزهـــا را باید فراتر از یک اصـــلاح اداری و به‌عنوان سیاســـتی مســـتقیم برای تقویت سرمایه‌گذاری، رشـــد تولید و اشتغالزایی ارزیابی کرد. هر روز تأخیر در صدور یک مجوز، می‌تواند به معنای افزایـــش هزینه تأمین مالی، از دســـت رفتن فرصت بازار، عقب‌افتادن اجـــرای طرح و کاهش انگیزه ســـرمایه‌گذار باشـــد. در مقابل، وقتی فراینـــد ورود به فعالیت اقتصادی شفاف، سریع و قابل پیش‌بینی باشد، فعالان اقتصادی می‌توانند با اطمینان بیشـــتری درباره محل سرمایه‌گذاری، زمان شروع فعالیت و هزینه‌های پیش‌روی خود تصمیم‌گیری کنند. این موضوع به‌ویژه برای بنگاه‌هـــای کوچک و متوســـط و کارآفرینانی که منابع مالـــی محدودی دارند، اهمیـــت دوچندان دارد؛ چراکه هزینه‌های اداری و زمانی برای این گروه‌ها سهم قابل توجهی از منابع اولیه را به خود اختصاص می‌دهد.

این کارشـــناس اقتصادی در پایان گفت: از ســـوی دیگر، حذف مجوزهـــای غیرضروری و محدودکـــردن اختیارات سلیقه‌ای دستگاه‌ها، امکان شکل‌گیری انحصارهای اداری و اقتصـــادی را کاهش می‌دهـــد و فرصـــت ورود بازیگران جدید به بازار را افزایش می‌دهـــد. نتیجه چنین فرایندی، تقویت رقابت‌پذیری، افزایش بهره‌وری، گسترش اشتغال و استفاده بهتر از ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری داخلی خواهد بـــود. بنابراین، دولت دکتـــر پزشـــکیان و وزارت اقتصاد با تمرکز بر ثبت‌محور کـــردن مجوزهای غیرضروری، تعیین زمان‌بندی الزام‌آور برای مجوزهـــای تأییدمحور و اجرای واقعی تأییدیه خاموش، می‌توانند یکی از مؤثرترین موانع تولید را از پیش‌روی اقتصاد کشور بردارند. مزیت مهم این سیاســـت نیز آن است که برخلاف بســـیاری از برنامه‌های حمایتی، برای تحقق آن نیازی به تزریق منابع مالی گسترده نیست؛ بلکه اراده اجرایی، اصلاح فرایندها و الزام دستگاه‌ها به پاسخ‌گویی کفایت می‌کند. به این ترتیب، تسهیل صدور مجوزها می‌تواند به یکی از ملموس‌ترین مصادیق حمایت دولت از سرمایه‌گذاری مولد و تحقق شعار سال تبدیل شود.